

با نام و یاد خدا

کتاب



کلاس نهم

تهیه شده توسط وبسایت [بتافایل](#)



درس ۱: مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ

الْمُعْجَم (۲۴ کلمه جدید)

یادگیری معنای کلمات باید در خلال ترجمه متون و عبارات محقق گردد.

آبَتَدَأَ: شروع شد (مضارع: يَبْتَدِئُ)	آمِنَ: ایمن (الْعُبُورُ الْأَمْنُ: عبور و مرور ایمن)
بَنِينَ: پسران	أَتَمَّنْتُ: آرزوم می‌کنم
تَلَامِيذُ: دانش آموزان (مفرد: تَلْمِيزٌ)	تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد (مضارع: يَتَخَرَّجُ)
دِرَاسَةٌ: تحصیل، درس خواندن (دِرَاسِيٌّ: تحصیلی)	خَذَ: بگیر، بردار، ببر (ماضی: أَخَذَ / مضارع: يَأْخُذُ)
ذَهَابَ: رفتن (تُرِيدُونَ الذَّهَابَ: می خواهید بروید)	دَرَّسَ: درس داد (مضارع: يُدَرِّسُ)
زَادَ: زیاد کرد، زیاد شد (مضارع: يَزِيدُ)	رَصِيفٌ: پیاده‌رو
سَاعَدَكَ اللَّهُ: خداقوت (سَاعَدَ: کمک کرد / يُسَاعِدُ: کمک می‌کند)	زَارَ: زیارت کرد (مضارع: يَزُورُ)
صِعَابٌ: سختی‌ها (مفرد: صَعْبٌ)	سَأَلَ: درخواست کرد، پرسید (مضارع: يَسْأَلُ)
قِيَامٌ: برخاستن	عَامٌ: سال (عَامٌ دِرَاسِيٌّ: سال تحصیلی)
مَمَاتَةٌ: مرگ = موت ≠ حَيَاةٌ)	مُسْتَشْفَى: بیمارستان

مَنْطَقَةُ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ: پارک آموزش ترافیک	مَمَرُ الْمَشَاةِ: گذرگاه پیاده (مُشَاةٌ یعنی پیادگان و جمع ماشی است.)
تَبَقَى: می مانیم (ماضی: بَقِيَ / مضارع: يَبْقَى)	مَوْقِفٌ: ایستگاه
يُحَذِّرُ: هشدار می دهد (ماضی: حَذَّرَ)	ها: هان
	يَمْشُونَ: راه می روند (ماضی: مَشَى / مضارع: يَمْشَى)

نَصُّ الدَّرْسِ: أَهْلًا وَ سَهْلًا

خوش آمدید

يَبْتَدِئُ الْعَامُ الدَّرَاسِيُّ الْجَدِيدُ. يَذْهَبُ الطُّلَابُ وَ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ؛

سال تحصیلی نو (جدید) شروع می شود. دانش آموزان پسر و دختر با خوشحالی به مدرسه می روند.

هُمْ يَحْمِلُونَ حَقَائِبَهُمْ؛ وَ يَمْشُونَ عَلَى الرَّصِيفِ وَ يَعْبُرُونَ مَمَرُ الْمَشَاةِ لِلْعُبُورِ الْأَمِنِ؛

آنها (آنان) کیف هایشان را بر می دارند و در پیاده رو راه می روند (قدم می زنند) و از خط کشی عابر پیاده برای عبور و مرور ایمن رد می شوند. (عبور می کنند، می گذرند)

السَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنِينَ وَ الْبَنَاتِ. يَبْتَدِئُ فَصْلُ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَصْلُ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.

خیابان ها پر از پسران و دختران است. سال تحصیل و خواندن و نوشتن و فصل دوستی بین دانش آموزان آغاز می شود.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي

أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي

با نام خدا سخنم را آغاز می‌کنم و پروردگارم را به هنگام برخاستنم یاد می‌کنم.

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي

أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي

با نام خدا درس‌هایم را آغاز می‌کنم و پروردگارم را به هنگام نشستنم یاد می‌کنم.

أَقْرَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كِتَابِي

أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صِعَابِي

کتابم را با نام خدا می‌خوانم، از پروردگارم حل سختی‌هایم (مشکلاتم) را درخواست می‌کنم. (می‌خواهم)

مَكْتَبُنَا نُورٌ وَ حَيَاةٌ

فِيهِ دُعَاءٌ، فِيهِ صَلَاةٌ

مکتب ما (مدرسه ما) روشنایی و زندگی است، در آن دعاست، در آن نماز است.

فِيهِ غُلُومٌ، فِيهِ كَمَالٌ

فِيهِ كُنُوزٌ، فِيهِ جَمَالٌ

در آن دانش‌هاست در آن کمال هست، در آن گنج‌هاست، در آن زیبایی هست.

يَخْرُجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ

وَ يُدْرَسُ فِيهِ الْحُكْمَاءُ

دانشمندان از آن فارغ التحصیل می‌شوند (دانش آموخته می‌شوند). و حکیمان در آن درس می‌دهند.

هَا كُتُبِي أَنْوَارُ سَمَائِي

مَرْحَمَةٌ، كَنْزٌ، كَدَوَائِي

هان. کتاب‌هایم روشنایی‌های آسمانم، مهربانی و گنج مانند دارویم هستند.

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ أُمُورِي

فَاسْمُ إِلَهِي، زَادَ شُرُورِي

با نام خدا کارهایم را آغاز می‌کنم زیرا نام خدا شادی‌ام را افزون ساخت (زیاد کرد).

التَّمارين

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ (صفحة ١٤ كتاب درسی)

با توجّه به تصویر پاسخ دهید.



ماذا عَلَى الشَّجَرَةِ؟

چه چیزی روی درخت است؟

حَمَامَتَانِ يَا عَلَى الشَّجَرَةِ حَمَامَتَانِ. (دو کبوتر)



هل هذا زَمِيلُكَ؟

آیا این هم کلاسی تو است؟

نعم، هذا زَمِيلِي (بله، این هم کلاسی من است)



أَيْنَ مُسْتَشْفَى بَغْدَاد؟

فِي شَارِعِ نَضَالِ.



لِمَنْ هَذَا الْكِتَابُ؟

لِمُعِزِّ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى



فِي أَيِّ عِلْمٍ هَذَا الْعَالِمُ مَعْرُوفٌ؟

این دانشمند در چه علمی معروف



كَمْ حَافِلَةً فِي الْمَوْقِفِ؟

أَرْبَعَةٌ. (أَرْبَعُ حَافِلَاتٍ هُمُ دَرَسْتُ).

است؟

فی علم الکیماء (علم شیمی)



هل هنا منطقة تعليم المرور؟

نعم. يا نعم؛ هنا منطقة تعليم المرور.



يا تلميذات، كيف حالكن؟

حالتان چطور است ای دانش آموزان؟

نحن بخير (ما خوبیم)



متى تلعبن كرة المُنصدة؟

چه موقع تنیس روی میز بازی می کنید؟

فی الساعة الثامنة. يا نلعب فی الساعة الثامنة.



بم یسافر الحجاج إلى مكة المكرمة؟

حاجیان با چه چیزی به مکه مکرّمه سفر می کنند؟

بالطائرة. يا یسافر الحجاج إلى مكة المكرمة بالطائرة. يا الحجاج

یسافرون إلى مكة المكرمة بالطائرة.

التّمرین الثّانی (صفحة ١٦ کتاب درسی)

در جای خالی کلمه مناسب بنویسید.

١- واحد / إثنان / ثلاثة / أربعة / خمسة / ستة / سبعة / ثمانية / تسعة / عشرة / أحد عشر / إثناعشر

٢- الأوّل / الثّانی / الثّالث / الرّابع / الخامس / السّادس / السّابع / الثّامن / التّاسع / العاشر / الحادی عشر /

الثّانی عشر

۳- یَوْمُ السَّبْتِ / الْأَحَدِ / الْأَثْنَيْنِ / الثَّلَاثاءِ / الْأَرْبَعاءِ / الْخَمِيسِ / الْجُمُعَة

۴- الرَّبِيعِ / الصَّيْفِ / الْخَرِيفِ / الشَّتَاءِ

۵- الْفُطُورِ فِي الصَّبَاحِ / الْعَدَاءُ فِي الظُّهْرِ / الْعِشَاءُ فِي اللَّيْلِ

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ (صفحة ۱۶ کتاب درسی)

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱- مَنْ أَنْتَ؟ أنا حميدٌ. یا أنا حميدة. یا...

تو کیستی؟ من حمیدم. یا اسم من حمیده است.

۲- كَيْفَ حَالُكَ؟ أنا بخير

حالت چطور است؟ من خوبم.

۳- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ أنا من إيران

تو اهل کجا هستی؟ من ایرانی هستم.

۴- فِي أَيِّ صَفٍّ أَنْتَ؟ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ.

تو در کدام کلاس هستی؟ در کلاس نهم هستم.

۵- مَتَى يَبْدَأُ الْعَامُ الدِّرَاسِيُّ فِي إِيرَانَ؟ يَبْدَأُ فِي شَهْرِ مَهْر.

چه موقع سال تحصیلی در ایران شروع می‌شود؟ در ماه مهر

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ (صفحة ۱۷ کتاب درسی)

برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب سپس هر جمله را ترجمه کنید.

ما موفق شدیم	(۱- هُم - نَحْنُ) نَجَحْنَا
آن‌ها یاری می‌کنند	(۲- هُمْ - أَنْتُمْ) يَنْصُرُونَ

تو دروغ نمی‌گویی	(۳-أَنْتَ -أنتما) لَا تَكْذِبُ
شما رسیدید	(۴-هُنَّ - أَنْتُمْ) وَصَلْتُمْ
آن‌ها می‌توانند	(۵-أَنْتُمَا - هُنَّ) يَقْدِرْنَ
او نزدیک نشد	(۶-هِيَ -أَنْتِ) مَا قَرَّبَتْ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ (صفحة ۱۷ کتاب درسی)

کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات «ناهماهنگ» است؟

۱- مَوْظَفَة - طَبِيبَة - طَبَّاحَة - حَقِيبَة

کارمند - پزشک - آشپز - کیف

۲- مُحَافَظَة - قَرِیَة - مَدِیْنَة - عَامِل

استان - روستا - شهر - کارگر

۳- بِنْت - أُخْت - لَوْن - جَدَّة

دختر - خواهر - رنگ - مادر بزرگ

۴- قَدَم - قَوْل - يَد - عَيْن

پا - سخن - دست - چشم

۵- بَقَرَة - جَنَّة - فَرَس - سِنْجَاب

گاو - بهشت - اسب - سنجاب

۶- أُسْرَة - قَمَر - كَوْكَب - شَمْس

خانواده - ماه - ستاره - خورشید

۷- أُسْبُوع - ذَهَب - شَهْر - سَنَة

هفته - طلا - ماه - سال

۸- ثُقَّاح - رُمَّان - تَمَر - سَحَاب

سیب - انار - خرما - ابر



التَّمْرِينُ السَّادِسُ (صفحة ۱۸ کتاب درسی)

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

۱- كُرَةُ الْقَدَمِ: رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدَ عَشَرَ لَاعِبًا.

فوتبال: بازی که در آن یازده بازیکن بازی می‌کنند.

۲- الْمُحَافَظَةُ: اِسْتَان (کلمه اضافه)

۳- الْمَطْعَمُ: مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفُطُورَ وَ الْعَدَاءَ وَ الْعِشَاءَ.

رستوران: مکانی که در آن مردم صبحانه، ناهار و شام می‌خورند.

۴- الْمَسَاءُ: وَقْتُ نِهَآيَةِ النَّهَارِ وَ بَدَآيَةِ اللَّيْلِ.

عصر، شب: زمان پایان روز و آغاز شب.

۵- الْغَابَةُ: أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ.

جنگل: زمین وسیعی که در آن درختان زیادی وجود دارد.

۶- الْغُرَابُ: طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ. يُحَذِّرُ الْحَيَوَانَاتِ مِنَ الْخَطَرِ.

کلاغ: پرنده سیاه رنگ ***

۷- الضَّيْفُ: هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ.

مهمان: کسی که با دعوت یا بی دعوت وارد خانه می‌شود.

التَّمْرِينُ السَّابِعُ (صفحة ۱۸ کتاب درسی)

در جای خالی، یکی از کلمه‌های زیر را بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

عَلَيْكَ / ذَهَبَ / الْجُلُوسُ / الْحَجَرُ / الْجَاهِلُ / الْأَمَانُ / الصُّعَابُ

۱- أَذَبَ الْمَرْءُ، حَيَّرَ مِنْ ذَهَبٍ (رسول الله)

ادب آدمی بهتر از طلای اوست.

۲- أَلْعَلِمُ فِي الصَّغَرِ، كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ (امام علی)

علم در کودکی همانند نقاشی در سنگ است.

۳- نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصُّحَّةُ وَ الْأَمَانُ (رسول الله)

دو نعمت نامعلوم هستند؛ سلامتی و امنیت

۴- أَلَدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ (امام علی)

روزگار دو روز است؛ روزی برای تو و روزی علیه تو.

۵- عداوةُ الْعَاقِلِ، حَيَّرَ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ (امام علی)

دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ (صفحة ۱۹ کتاب درسی)

متضاد کلمه‌های داخل جدول را در کلمات زیر پیدا کنید و بنویسید.

کثیر / لئیل / نهائیه / قریب / جمیل / صداقة / یمین / غالیة / شراء / فرح / کذب / حار

یسار ≠ یمین	بعید ≠ قریب	رخیصة ≠ غالیة
-------------	-------------	---------------

بارِدٌ ≠ حَارٌّ	بِدَايَةٌ ≠ نِهَايَةٌ	بَيْعٌ ≠ شِرَاءٌ
صَدَقٌ ≠ كَذَبٌ	قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ	حَزَنٌ ≠ فَرَحٌ
نَهَارٌ ≠ لَيْلٌ	عِدَاوَةٌ ≠ صَدَاقَةٌ	قَلِيلٌ ≠ كَثِيرٌ

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ (صفحة ١٩ كتاب درسی)

این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

أوراق / فَلَّاحان / شَجَرَة / ریاضیون / سیدات / مُدَرِّستان

شَجَرَة	مفرد مؤنث
فَلَّاحان	مثنای مذکر
مُدَرِّستان	مثنای مؤنث
ریاضیون	جمع مذکر سالم
سیدات	جمع مؤنث سالم
أوراق	جمع مکسر

الْأَرْبَعِينَات الشُّرُطَى وَ الزَّائِرُ

پلیس و زائر

-أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ!

-شُكْرًا. سَاعَدَكَ اللَّهُ!

خوش آمدید!

-سپاسگزارم. خدا قوت!

-كَمْ يَوْمًا تَبْقَوْنَ فِي الْعِرَاقِ؟

-تَبْقَى أُسْبُوعَيْنِ.

چند روز در عراق می مانید؟

-دو هفته می مانیم.

-إِلَى أَىِّ مَدْنٍ تُرِيدُونَ الذَّهَابَ؟

-إِلَى النَّجَفِ وَ كَرْبَلَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءَ.

به کدام شهرها می خواهید بروید؟

-به نجف، کربلا، کاظمین و سامرا.

-كَمْ يَوْمًا تَبْقَوْنَ فِي النَّجَفِ؟

-تَبْقَى يَوْمَيْنِ.

چند روز در نجف می مانید؟

-دو روز می مانیم.

-وَ كَمْ يَوْمًا فِي بَاقِي الْمَدْنِ؟

-فِي الْكَاظِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءَ يَوْمَيْنِ، وَ الْبَاقَى فِي كَرْبَلَاءَ.

و چند روز در بقیه شهرها؟

-در کاظمین و سامرا دو روز و بقیه در کربلا.

-أَتَمَنِّي لَكُمْ زِيَارَةً مَقْبُولَةً!

-حَفِظَكَ اللهُ!

-برایتان زیارتی قبول شده آرزو می‌کنم.

-خدا حفظت کند!

-حُذْ جَوَارِكَ، فِي أَمَانِ اللهِ!

-شُكْرًا جَزِيلًا. فِي أَمَانِ اللهِ وَ حِفْظِهِ!

-گذرنامه ات را بردار (بگیر، ببر)، خداحافظ!

-بسیار سپاسگزارم. در پناه و حفظ خدا.

مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا فَكَأَنَّمَا زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا.

هرکس ما را در مرگمان زیارت کند؛ گویی در زنده بودنمان ما را زیارت کرده است.

الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع)



درس ۲: اَلْعُبُورُ الْآمِنُ
اَلْمُعْجَم: (۲۹ کلمه جدید)

أَحَبُّ: محبوب‌ترین	آمَنَ: ایمان آورد (مضارع: يُؤْمِنُ)
إِدَارَةُ الْمُرُورِ: ادارهٔ راهنمایی و رانندگی (مُرور: گذر کردن)	إِشَارَاتُ الْمُرُورِ: علامت‌های راهنمایی و رانندگی
أَيُمْكِنُ أَنْ تَرْجِعَ: آیا امکان دارد برگردی؟	أَنْصَحُ: اندرزگوترین
تَالِي: بعدی (اَلْيَوْمَ التَّالِي: روز بعد)	بُكَاء: گریه کردن، گریه
تَفَضَّلْ: بفرما	تُعْطِينِي: به من می‌دهی (أَنْ تُعْطِيَنِي: که به من بدهی)
جِهَةٌ: جهت	تَكَلَّمَ: صحبت کرد (مضارع: يَتَكَلَّمُ)
رَصِيد: شارژ (اعتبار مالی)	ذَكَّى: باهوش
سَتَر: پوشاند، پنهان کرد (مضارع: يَسْتُرُ)	رَقَدَ: بستری شد، خوابید (مضارع: يَرْقُدُ)

شَقَاوَة: بدبختی	شَا حِنْ الْجَوَال: شارژر موبایل
صَدَمَ: برخورد کرد (مضارع: يَصْدِمُ)	صَحِيفَة: روزنامه «جمع: صُخُف» (صحيفة جدارية: روزنامه دیواری)
قُبْح: زشتی	فَجَاءَ: ناگهان
لِمَ: برای چه (لِ + ما)	لَقَدْ: قطعاً
مَحَلَّ: مغازه (جمع: مَحَلَّات)	مَا: آنچه
نَادَى: صدا زد (مضارع: يُنَادِي)	مَعَ الْأَسْفِ: متأسفانه
يُسَدُّونَ: می‌بندند (ماضی: سَدَّ / مضارع: يَسُدُّ)	هَادِي: آرام

نَصُّ الدَّرْسِ: الْعُبُورُ الْأَمِينُ

قانون‌های رانندگی

رَجَعَ سَجَّادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا؛ عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ، بَدَأَ بِالْبُكَاءِ فَجَاءَهُ وَ ذَهَبَ إِلَى غُرْفَتِهِ؛ ذَهَبَ أَبُوهُ إِلَيْهِ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُ وَ سَأَلَهُ:

سجاد با ناراحتی (اندوهگین) از مدرسه برگشت؛ وقتی که با خانواده‌اش بر سر سفره غذا نشست. ناگهان شروع به گریه کرد و به اتاقش رفت. پدرش به سوی او رفت و با وی سخن گفت و از او پرسید:

«لِمَاذَا مَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟!»

«چرا غذا نخوردی؟!»

أَجَابَ: «هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟»

جواب داد: «آیا دوستم حسین را می‌شناسی؟»

قَالَ: «نَعَمْ، أَعْرِفُهُ؛ هُوَ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هَادِيٌّ. مَاذَا حَدَّثَ لَهُ؟»

گفت: «بله» او را می‌شناسم. او پسر باهوش و آرامی است.

مَاذَا حَدَّثَ لَهُ؟»

أَجَابَ سَجَادٌ: «هُوَ رَقَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى؛ صَدَمَتْهُ سَيَّارَةٌ؛ وَقَعَتِ الْحَادِثَةُ أَمَامِي؛

چه اتفاقی برای او افتاده است؟

سجاد جواب داد: او در بیمارستان بستری شده است؛ ماشینی به او برخورد کرد.

عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ عَلَى الرَّصِيفِ الْمُقَابِلِ؛ نَادَيْتُهُ؛ فَقَصَدَ الْغُبُورَ بِدُونِ النَّظَرِ إِلَى السَّيَّارَاتِ وَ مِنْ غَيْرِ مَمَرٍ الْمَشَاةِ؛ فَقَرَّبْتُ

مِنْهُ سَيَّارَةً وَ صَدَمَتْهُ. كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ كَثِيرَةً.»

«حادثه جلوی من اتفاق افتاد؛ وقتی که وی را در پیاده رو روبه‌رو (مقابل) دیدم؛ صدایش زدم. و قصد کرد

(خواست) بدون نگاه‌کردن به خودروها و از جایی جز خط‌کشی عابر پیاده عبور کند در نتیجه خودرویی به او

نزدیک شد و به وی برخورد کرد. سرعتِ خودرو بسیار بود.

قَالَ أَبُوهُ: «كَيْفَ حَالُهُ الْآنَ؟»

پدرش گفت: «اکنون حالش چطور است؟»

قَالَ سَجَادٌ: «هُوَ مَجْرُوحٌ.»

سجاد گفت: «او زخمی است.»

فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ طَلَبَ الْمُدَرِّسُ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَانِينِ الْمُرُورِ وَ رَسْمَ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ وَ رِعَايَةَ الْأَعْمَالِ الصَّحِيحَةِ فِي الشُّوَارِعِ وَ الطُّرُقِ.

در روز بعد معلم از دانش آموزانش خواست در یک روزنامه دیواری قوانین رانندگی را بنویسند. و علامت‌های راهنمایی و رانندگی را نقاشی کنند و کارهای درست را در خیابان‌ها و راه‌ها رعایت کنند.

ثُمَّ أَخَذَ الْمُدِيرُ تَلَامِيذَ الْمَدْرَسَةِ إِلَى مِنْطَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.

سپس مدیر، دانش آموزان مدرسه را به پارک آموزش ترافیک برد.

و بَعْدَ يَوْمَيْنِ جَاءَ شُرْطِيُّ إِلَى الْمَدْرَسَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْمُرُورِ لِشَرْحِ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ وَ طَلَبَ مِنْهُمْ الْعُبُورَ مِنْ مَمَرِ الْمَشَاةِ.

و پس از دو روز، پلیسی از ادارهٔ راهنمایی و رانندگی برای شرح علامت‌های راهنمایی و رانندگی به مدرسه آمد و از آنها درخواست کرد از گذرگاه پیاده (خط کشی پیاده) عبور کنند.

كَتَبَ التَّلَامِيذُ صَحِيفَةً جِدَارِيَّةً وَ رَسَمُوا فِيهَا عَلَامَاتِ الْمُرُورِ وَ شَرَحُوا مَعَانِيَهَا.

دانش آموزان یک روزنامه دیواری نوشتند و در آن علامت‌های راهنمایی و رانندگی را نقاشی کردند (رسم کردند) و معانی آن را شرح دادند.



مَمْنُوعُ الدُّخُولِ.
ورود ممنوع



لَدَوْرَانُ عَلَى الْيَمِينِ مَمْنُوعٌ.
گردش به راست ممنوع



لَدَوْرَانُ عَلَى الْيَسَارِ مَمْنُوعٌ.
گردش به چپ ممنوع



إِشَارَةُ مُرُورِ الْمَشَاةِ.
ترافیک عابر پیاده



مُرور حَيَواناتِ أَهْلِيَّةٍ.
عبور حیوانات اهلی



مَمَرُ الْمَشَاةِ.
محل عبور عابر پیاده

درست یا نادرست (صفحه ۲۴ کتاب درسی)

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس متن درس بنویسید.

۱- كَانَ مَوْضِعُ الصَّحِيفَةِ الْجِدَارِيَّةِ قَوَانِينَ الْمُرُورِ. درست

۲- الْمُدِيرُ أَخَذَ التَّلَامِيذَ إِلَى مَنطَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ. درست

۳- رَفَدَ حُسَيْنٌ فِي مُسْتَوَصِفٍ قَرِيبٍ مِنْ بَيْتِهِ. نادرست

۴- رَجَعَ سَجَّادٌ إِلَى مَنْزِلِهِ مَسْرُورًا. نادرست

۵- أَبُو سَجَّادٍ مَا عَرَفْتُ حُسَيْنًا. نادرست

بدانیم: وزن و حروف اصلی



۱- بسیاری از کلمه‌ها در عربی سه حرف اصلی دارند؛ مثال:

کلمات هم خانواده

حروف اصلی

ح ک م	حاکم، مَحْکُوم، حَکیم، حِکْمَة، مُحَاكَمَة، حُكُومَة، أَحْکَام
ع ل م	عالم، مَعْلُوم، عَلیم، تَعْلیم، أَغْلَم، عُلُوم، إِغْلَام

در کلماتی مانند «حاکم، محکوم، حکیم و...» سه حرف «ح ک م» به ترتیب تکرار شده‌اند.

به این سه حرف «حروف اصلی» یا «ریشه» کلمه می‌گویند.

شناختن حروف اصلی به املائی ما کمک می‌کند. با نگاه به هم خانواده‌های یک کلمه می‌توان به حروف اصلی آن پی بُرد؛ اگر با دقت به این کلمه‌ها «مُجَالَسَة / مَجَالِس / مَجْلِس / إِجْلَاس / جُلُوس / جَلْسَة / جَلِيس» نگاه کنیم؛ در می‌یابیم که به ترتیب سه حرف «ج ل س» در آنها مشترک است.

۱- سه حرف اصلی این کلمات چیست؟

رافع، مَرْفُوع، رَفِيع: ر ف ع

ناظر، مَنظُور، نَظير: ن ظ ر

قادر، مَقْدُور، قَدِير: ق د ر

حروفی که همراه حروف اصلی می‌آیند؛ «حروف زائد» نامیده می‌شوند. این حروف معنای جدیدی به کلمه می‌دهند.

حروف اصلی کلمه‌ها به ترتیب با سه حرف «ف ع ل» سنجیده می‌شوند.

مُ	ج	ا	ر	ل	اَ	←← مُجَالَسَة
مُ	ف	ا	ع	ر	اَ	←← مُفَاعَلَة

۲- بیشتر کلمات در زبان عربی وزن دارند؛ مثال:

وزن	کلمات
فَاعِل	ناصر - عارف - ظالم - فاتح - قاتل - ضارب - رافع
مَفْعُول	مَنْصُور - مَعْرُوف - مَظْلُوم - مَفْتُوح - مَقْتُول - مَضْرُوب - مَرْفُوع

کدام کلمه بر وزن فاعِل و کدام بر وزن مَفْعُول است؟

مَقْطُوع ⇐⇐ مفعول

حامد ⇐⇐ فاعل

عابد ⇐⇐ فاعل

مَذْکُور ⇐⇐ مفعول

فَنِّ ترجمه

با معنای دو وزن «فاعِل» و «مَفْعُول» آشنا شوید.

معمولاً وزن «فاعِل» به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و وزن «مَفْعُول» به معنای «انجام شده» است؛
مثال:

حامد: ستاینده

مَحْمُود: ستوده شده

ترجمه کنید.

یا صانِعُ کُلِّ مَصْنُوعٍ، یا خالِقُ کُلِّ مَخْلُوقٍ.

ای سازنده هر ساخته شده‌ای آفریدگار هر آفریده شده‌ای.

اَلتَّمَارِینِ

اَلتَّمْرِینُ الْاَوَّلُ (صفحه ۲۷ کتاب درسی)

حروف اصلی و ترجمه کلمات زیر را بنویسید.

عابد، مَعْبُود = ع ب د

پرستش‌گر، پرستیده

فاتح، مَفْتُوح = ف ت ح

گشاینده، گشوده

کاتب، مَكْتُوب = ک ت ب

نویسنده، نوشته

ضارب، مَضْرُوب = ض ر ب

زننده، زده شده

خادم، مَخْدُوم = خ د م

خدمت‌کننده، خدمت شده

شاهد، مَشْهُود = ش ه د

بیننده، دیده شده

التَّحْرِينُ الثَّانِي (صفحه ۲۸ کتاب درسی)

وزن کلمات جدول را بنویسید.

مصدر	مضارع	ماضی	ریشه
إِخْرَاجٌ	يُخْرِجُ	أَخْرَجَ	خ ر ج
إِفْعَالٌ	يُفْعِلُ	أَفْعَلَ	

س ل م	سَلَّمَ	يُسَلِّمُ	تَسْلِيم
	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	تُفَعِّلُ
ع ل م	تَعَامَلَ	يَتَعَامَلُ	تَعَامُل
	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعُل
ع ل م	تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمُ	تَعَلُّم
	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّل
خ د م	اِسْتَحْدَمَ	يَسْتَحْدِمُ	اِسْتِحْدَام
	اِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتِفْعَال
س ف ر	سَافَرَ	يُسَافِرُ	مُسَافَرَة
	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	مُفَاعَلَة
ك س ر	اِنْكَسَرَ	يَنْكَسِرُ	اِنْكَسَار
	اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	اِنْفِعَال

ش غ ل	إِسْتَعْلَ	يَسْتَعْلُ	إِسْتِعَال
	إِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	إِفْتِعَال

التَّحْرِيْقُ الثَّالِثُ (صفحة ٢٢ كتاب درسی)

هر کلمه را به عبارت مرتبط با آن وصل کنید.

١- قَوَانِینُ الْمُرُورِ: قَوَاعِدُ السَّیْرِ وَ الْمُرُورِ فِی الشَّوَارِعِ وَ الطَّرِیقِ.

قوانین راهنمایی و رانندگی: قوانین عبور و مرور در خیابان و جاده

٢- الْمُسْتَشْفَى: مَكَانٌ مُجَهَّزٌ لِفَحْصِ الْمَرْضَى.

بیمارستان: مکانی مجهز برای رسیدگی به بیماران

٣- الرَّصِیفُ: جَانِبٌ مِنَ الشَّارِعِ لِمُرُورِ النَّاسِ.

پیاده‌رو: قسمتی از خیابان برای عبور مردم

٤- الصَّحِیفَةُ: أَوْرَاقٌ فِیْهَا أَخْبَارٌ وَ مَعْلُومَاتٌ أُخْرَى.

روزنامه: برگه‌هایی که در آن خبرها و اطلاعات دیگر است.

٥- الْبُكَاءُ: جَرِیَانُ الدُّمُوعِ مِنَ الْحُزَنِ.

گریه کردن: جریان اشک از ناراحتی

التَّحْرِيْقُ الرَّابِعُ (صفحة ٢٩ کتاب درسی)

جاهای خالی را با کلمات داده شده پُر کنید.

هُوَ / هُما / هُم / هِیَ / هُنَّ / أَنْتَ / أَنْتَما / أَنْتِ / أَنْتِی / أَنَا / نَحْنُ

من	 أَنَا	
تو	 أَنْتَ	 أَنْتِ
او	 هُوَ	 هِيَ
ما	 نَحْنُ	
شما	 أَنْتُمْ	 أَنْتُنَّ
ایشان	 هُمْ	 هُنَّ

التَّحْرِينُ الْخَامِسُ (صفحة ٣٠ كتاب درسی)

در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. «یک کلمه اضافه است.»

التَّالِي / جِدَارِيَّة / شَاحِن / تَلْمِيذُ / الدُّمُوعُ / حَدَثَ

١- يا زَمِيلِي، ما بِكَ؟ لِمَ أَنْتَ حَزِينٌ؟ ماذا حَدَثَ

ای هم کلاسی تو را چه شده است؟ برای چه ناراحت هستی؟ چه اتفاقی افتاده است؟

۲- التَّلَامِيذُ مَشْغُولُونَ بِتَهْيِئَةِ صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةٍ

دانش آموزان مشغول تهیه روزنامه دیواری هستند.

۳- أَخِي تَلْمِيذٌ فِي الصَّفِّ السَّادِسِ الْإِبْتِدَائِيِّ.

برادر من دانش آموز کلاس ششم ابتدایی است.

۴- الدُّمُوعُ جَارِيَةٌ عَلَى وَجْهِ الطُّفْلِ.

اشکها بر صورت کودک جاری هستند.

۵- هَلْ عِنْدَكَ شَاحِنُ الْهَاتِفِ الْجَوَّالِ؟

التَّمْرِينُ السَّادِسُ (صفحة ۳۰ کتاب درسی)

کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه‌ها «ناهماهنگ» است؟

۱- هَادِيٌّ - سَيَّارَةٌ - سَفِينَةٌ - طَائِرَةٌ

آرام - ماشین - کشتی - هواپیما

۲- شَارِعٌ - سَاحَةٌ - خَاتَمٌ - رَصِيفٌ

خیابان - میدان - انگشتر - پیاده‌رو

۳- أَكَلَ - رَأَى - شَاهَدَ - نَظَرَ

خورد - دید - دید - نظر

۴- مَاءٌ - شَرَابٌ - شَايٌ - جَارٌ

آب - نوشیدنی - چای - همسایه

۵- يَدٌ - لِسَانٌ - سِنَّ - نَادِيٌّ

دست - زبان - دندان - صدا زد

التَّمْرِينُ السَّابِعُ (صفحة ۳۱ کتاب درسی)

آیه و احادیث زیر را ترجمه کنید. سپس کلماتی بر این وزن‌ها در آنها بیابید.

فَاعِل: عَالِم

يَفْعُل: يَسْتُر

فَعَالَة: سَعَادَة - شَقَاوَة

فِعْل: عِلْم

فِعَال: عِبَاد

۱- «إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (فاطر ۳۸)

بی گمان، خدا دانای نهان آسمان‌ها و زمین است.

۲- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ. (امام علی (ع))

نیکی ادب (ادب خوب) زشتی نسبت (اصل و نسب) را می‌پوشاند.

۳- إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْصَحُهُمْ لِعِبَادِهِ. (رسول الله (ص))

بی گمان دوست داشتنی‌ترین بندگان خدا نزد خدا، اندرزگوترینشان برای بندگان‌ش هستند.

۴- شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ. (امام علی (ع))

شرف آدمی به دانش و ادب است، نه به اصل و نسب.

۵- مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ مِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ. (رسول الله (ص))

از خوشبختی آدمیزاد (فرزند آدم) خوش اخلاقی و از بدبختی آدمیزاد، بد اخلاقی است.

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ (صفحة ۳۲ کتاب درسی)

متن زیر را بخوانید سپس پاسخ پرسش‌های آن را بیابید.

أَنَا طَالِبٌ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ. إِسْمِي إِسْحَاقُ. لِي أُخْتَانِ: مَهْدِيمٌ وَ لَالِين، هُمَا صَغِيرَتَانِ فَلَا تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ عِنْدِي أَخَوَانِ: هَاشِمٌ وَ جَوَادُ. هَاشِمٌ أَكْبَرُ أَوْلَادِ الْأُسْرَةِ؛ إِنَّهُ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ الْآنَ هُوَ حُلَوَانِيٌّ. جَوَادُ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ. نَحْنُ مِنْ مَدِينَةِ «سَرَاوَان» فِي مُحَافَظَةِ «سِيستَان وَ بلویشستان».

۱- لماذا لا تَذْهَبُ مَهْدِيمَ وَ لالين إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ لِيَتَّهَمَا صَغِيرَتَانِ. يَا هُمَا صَغِيرَتَانِ فَلَا تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.
چرا مهدیم و لالین به مدرسه نمی‌روند؟

۲- مَا اسْمُ أَكْبَرِ الْبَنَيْنِ فِي هَذِهِ الْأُسْرَةِ؟ هَاشِمٌ. يَا اسْمُهُ هَاشِمٌ.
اسم بزرگ‌ترین پسر خانواده چیست؟

۳- مَنْ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟ هَاشِمٌ. يَا هَاشِمُ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ.
چه کسی از مدرسه فارغ التحصیل شد؟

۴- مِنْ أَيْنَ هَذِهِ الْأُسْرَةُ؟ مِنْ سَرَاوَانِ. يَا مِنْ مَدِينَةِ «زَاهِدَانِ» فِي مُحَافَظَةِ «سَيِسْتَانِ وَ بَلُوشِسْتَانِ»
این خانواده اهل کجا هستند؟

۵- فِي أَيِّ صَفٍّ إِسْحَاقُ؟ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ
اسحاق در کدام کلاس است؟

۶- كَمْ أُخْتًا لِإِسْحَاقَ؟ أُخْتَانِ. يَا لَهُ أُخْتَانِ. يَا عِنْدَهُ أُخْتَانِ.
اسحاق چند خواهر دارد؟



نورُ السَّمَاءِ (صفحة ۳۳ کتاب درسی)

بخوانید و ترجمه کنید.

۱- (مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ) (بقره ۶۲)
کسی که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد کار شایسته می‌کند. پاداش آن‌ها نزد پروردگارشان هست.

۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف ۲)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا می‌گویید آنچه را که انجام نمی‌دهید؟!

۳- (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) (احزاب ۲۱)

قطعا در فرستاده خدا برای شما الگوی خوبی هست. (همانا در رسول خدا برای شما الگوی نیکویی وجود دارد).

۴- (إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ) (بقره ۱۸۶)

هر گاه بندگانم از تو درباره من بپرسند، (بدانند که قطعاً) من به آنان نزدیکم.

۵- (يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ) (مجادله ۱۱)

خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند بالا می‌برد.

الْأَرْبَعِينَ

أَيُمْكِنُ أَنْ تَرْجِعَ قَلِيلًا؟

-لا بَأْسَ.

-آیا ممکن است کمی به عقب برگردی؟ (هنگام شلوغی مراسم دعا و نماز خطاب به شخصی که پشت سر ماست این جمله را می‌گوییم تا جای نشستن ما باز شود)
-اشکالی ندارد.

-عَفْوًا؛ أَعْطِينِي مَكَانًا حَتَّى أَجْلِسَ هُنَا؟

-نَعَمْ؛ تَفَضَّلْ.

-ببخشید؛ آیا جایی به من می‌دهی تا اینجا بنشینم؟
-آری، بفرما.

-هَلْ يَسُدُّونَ بَابَ الْحَرَمِ هَذِهِ اللَّيْلَةَ؟

-نَعَمْ.

-آیا امشب در حرم را می‌بندند؟

-آری.

-عَفْوًا أَيْنَ مَوْقِفُ سَيَّارَاتِ الْحَرَمِ؟

-خَلْفَ هَذَا الْبِنَاءِ.

-ببخشید؛ ایستگاه خودروهای حرم کجاست؟
-پشت این ساختمان.

-هَلْ تَوْجَدُ سَيَّارَاتٍ لِلْعَتَبَةِ لِلذَّهَابِ إِلَى سَامَرَاءَ؟

-لا، مَعَ الْأَسْفِ.

-آيا خودروهای عتبه (آستانه) برای رفتن به سمتِ سامرا وجود دارد؟

-نه؛ متأسفانه.

-أَيُّ يُمْكِنُ أَنْ تُسَاعِدَنِي؟

-لا بِأَس. أَنَا فِي خِدْمَتِكَ.

-آيا امکان دارد به من کمک کنی؟

-اشکالی ندارد. من در خدمت هستم.

-أَيْنَ الْحَرَمُ؟

-عَلَى الْيَمِينِ.

-حرم کجاست؟

-سمت راست است.

-أَيُّ جِهَةٍ بِلَا اِزْدِحَامٍ؟

-هَذِهِ الْجِهَةُ، عَلَى الْيَسَارِ.

-کدام سمت شلوغ نیست؟

-این سمت، دست چپ.

-مِنْ أَيْنَ أَشَتَّى شَاحِنَ الْجَوَّالِ؟

-مِنْ ذَلِكَ الْمَحَلِّ.

-از کجا شارژرِ تلفن همراه بخرم؟

-از آن مغازه.

-أَيُّ يُمْكِنُ أَنْ تُعْطِيَنِي شَاحِنَ الْجَوَّالِ؟

-تَفَضَّلْ.

-آيا ممکن است شارژرِ تلفن همراه به من بدهی؟

-بفرما.